

در مقام شاهی از زندگانی پیرامبران و چهارده معصوم (علیهم السلام)

عاشق حایر از زندگانی پیرامبران (عاشق الهی)

نویسنده: محمد صفایی بیجو

ویراستار: علی اصغر بشیری

سرشناسه :	صفایی حبیب‌الو، محمد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور :	داستان‌هایی از زندگانی پیامبران (علیهم السلام) / نویسنده محمد صفایی حبیب‌الو ؛ ویراستار علی‌اصغر بشیری.
مشخصات نشر :	تهران: انتشارات آرایان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری :	۳۶۰ ص.
فروست	داستان‌هایی از زندگانی پیامبران و چهارده معصوم (علیهم السلام).
شابک :	دوره 2-26-7133-600-978 : 8-24-7133-600-978
وضعیت فهرست نویسی :	فیبیا.
موضوع :	پیامبران - سرگذشتنامه
شناسه افزوده :	بشیری، علی‌اصغر، ۱۳۶۲ -، ویراستار
رده بندی کنگره :	۱۳۹۳ ۷۲۵۲ ۸۸۱ ص BP
رده بندی دیویی :	۲۹۷/۱۵۶
شماره ثبت :	۳۴۹۲۲۷۹



داستان‌هایی از زندگانی پیامبران (علیهم السلام)

محمد صفایی حبیب‌الو

علی‌اصغر بشیری

علی غلامی

اول: ۱۳۹۳

۱۰۰۰ نسخه

۱۶۰۰۰ تومان

۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۳-۲۴-۸

۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۳-۲۶-۲

تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۶، طبقه اول

تلفن: ۶۶۴۰۰۲۳۵ - ۶۶۹۷۱۳۴۴ ایمیل: Arayanbook@yahoo.com

« حق چاپ و نشر مجدد این اثر برای انتشارات آرایان محفوظ است. »

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۱۷	مقدمه
۲۳	حضرت آدم (ع)
۲۵	ابلیس و آدم
۲۹	ادریس (ع)
۳۱	ادریس (ع) و فرشته
۳۵	حضرت نوح (ع)
۴۳	حضرت ابراهیم (ع)
۴۷	ابراهیم در آتش
۵۰	ابراهیم (ع) و فرزندش
۵۱	ابراهیم و میهمانان
۵۲	اندیشه ویرانی کعبه
۵۴	پرندگان ابراهیم (ع)

۵۵

مرگ ابراهیم (ع)

۵۵

میهمانان ابراهیم (ع)

۵۷

فصل ۵ حضرت یوسف علیه السلام

۵۹

حضرت یوسف (ع)

۶۵

یوسف در جاه

۶۶

یوسف (ع) و زنان مصر

۶۷

یوسف (ع) در زندان

۷۱

فصل ۶ حضرت ایوب علیه السلام

۷۳

حضرت ایوب (ع)

۷۵

مردی با صبر بسیار

۷۶

آزمونی دیگر

۷۹

فصل ۷ حضرت شعیب علیه السلام

۸۱

حضرت شعیب (ع)

۸۳

شعیب (ع) و قومش

۸۵

فصل ۸ حضرت موسی علیه السلام

۸۷

حضرت موسی (ع)

۹۴

چوپان و موسی (ع)

۹۵

کودکی بر روی آب

۹۶

موسی (ع) و صفورا

۹۷

موسی (ع) در برابر فرعون

۱۰۰

نزول عذاب

۱۰۰

باران عذاب

۱۰۱

ملخها

۱۰۲	قورباغه‌ها
۱۰۳	نیل خونین
۱۰۳	حملهٔ مگس‌ها
۱۰۴	حیوانات می‌میرند
۱۰۴	طوفان
۱۰۵	شکسته شدن دریا
۱۰۶	سفر شام
۱۰۸	بنی اسرائیل در صحرائِ سینا
۱۰۹	گوسالهٔ سامری
۱۱۰	مرگ مشکوک
۱۱۱	عاقبت قارون
۱۱۲	مهربانی با سگ
۱۱۳	خودت را به من نشان بده

۱۱۷ حضرت خضر (ع)

۱۱۹ موسی و رفیق راه

۱۲۵ طالوت و داوود (ع)

۱۲۹ سربازان اندک

۱۳۲ فرزندان مریض

۱۳۲ هم‌نشین داوود (ع)

۱۳۷ فصل ۱۱ حضرت سلیمان (علیه السلام)

۱۳۹ حضرت سلیمان (ع)

۱۴۲	مورچه و سلیمان
۱۴۳	پرسش و پاسخ مورچه با سلیمان (ع)
۱۴۴	هدهد
۱۴۵	کاخ بلقیس
۱۴۵	چرا اندیشی بلقیس
۱۴۶	ایای بلقیس
۱۴۶	شر و تعجب استادگان بلقیس
۱۴۷	قوم سبا
۱۴۹	بلقیس به دیدن سلیمان (ع) می‌رود
۱۵۰	سلیمان و انگشتری
۱۵۱	مرگ سلیمان نبی (ع)
۱۵۲	ساخت بیت المقدس
۱۵۷	حضرت عزیر (ع)
۱۵۸	زندگی دوباره
۱۶۰	عزیر در میان خانواده
۱۶۲	جواب برابر
۱۶۲	سفارش خداوند به حضرت عزیر (ع)
۱۶۵	حضرت الیاس (ع)
۱۶۶	خضر (ع) و الیاس (ع)
۱۶۸	زندگی برای عبادت

۱۷۱	حضرت یسع (ع)
۱۷۱	یسع (ع) و راز شکست
۱۷۵	دانیال (ع)
۱۷۵	دانیال (ع) و کودک
۱۷۹	حضرت یونس (ع)
۱۸۱	میهمان نهنگ
۱۸۷	حضرت زکریا (ع)
۱۸۸	داستان زکریا (ع)
۱۸۹	مرگ زکریا (ع)
۱۹۳	حضرت یحیی (ع)
۱۹۴	پیامبر همیشه گریان
۱۹۵	یحیی (ع) و رفتار با والدین
۱۹۶	یحیی (ع) و شنیدن توصیف دوزخ
۱۹۷	مرگ یحیی (ع)
۲۰۳	حضرت عیسی (ع)
۲۰۸	تولد مسیح (ع)
۲۱۱	عیسی (ع) در مصر

۲۱۱	عیسی (ع) و آموزگار
۲۱۳	عیسی (ع) و دهقان
۲۱۴	عیسی (ع) در سرزمین مادری
۲۱۷	عیسی و یارانش
۲۱۸	عیسی (ع) و یاران جدید
۲۱۸	عیسی (ع) و لاشهٔ سگ
۲۱۹	یاران عیسی (ع) و ظرف آب
۲۲۰	خانهٔ عیسی (ع)
۲۲۰	کودک، زن پاریس و عیسی (ع)
۲۲۱	عیسی (ع) و گور نوح
۲۲۲	تکبر و فروتنی
۲۲۳	منا
۲۲۳	شفای دست
۲۲۴	مرد لباس‌شوی
۲۲۴	علمای ظاهرین
۲۲۵	بندهٔ دو خدا
۲۲۵	غذای آسمانی
۲۲۶	شام آخر عیسی (ع)
۲۲۸	عیسی (ع) بر صلیب آسمان
۲۳۱	عاقبت یهودا
۲۳۱	دعای باران
۲۳۲	راز زندگی
۲۳۳	عیسی (ع) و زن زناکار

۲۶۳	بازار شام
۲۶۴	خواستگاری از خدیجه (س)
۲۶۵	نزول وحی
۲۶۷	ورود به مدینه
۲۶۸	بنای مسجد
۲۶۹	هفت سینه
۲۷۰	حیره
۲۷۰	کفن حمزه
۲۷۱	عاقبت عمرو بن عبد
۲۷۳	فتح خیبر
۲۷۴	مادر و پسر اسیر
۲۷۴	میهمان رسول (ص)
۲۷۶	محمد (ص) و جابر
۲۷۶	هشت سکه بابرکت
۲۷۸	بزغاله زهرآلود
۲۷۸	غلام با ادب
۲۷۹	ارزش پدر
۲۷۹	ماجرای عکرمه
۲۸۰	بستن پای شتر
۲۸۰	شفقت بر شتر
۲۸۱	دشنام ابولهب
۲۸۱	تعاون
۲۸۲	وزش باد

۲۸۲	ردای محمد (ص)
۲۸۲	چشم‌درد
۲۸۳	خرماهای بی کیفیت
۲۸۳	دعا در بازار
۲۸۴	خشخاش
۲۸۴	بر خیزد با جملات
۲۸۴	ترحم سگ
۲۸۵	عطسه
۲۸۵	زنان جوان بهشتی
۲۸۶	بیمار
۲۸۶	مزاح با زاهد
۲۸۷	مناظره محمد (ص) با مرد یهودی
۲۸۷	دعا و عبادت بسیار
۲۸۸	بز با برکت
۲۸۹	توصیف محمد (ص)
۲۸۹	یاری مظلوم
۲۹۱	دشمنی پایدار
۲۹۱	درخت مسجد
۲۹۲	باران بسیار
۲۹۲	خاک در چشم دشمن
۲۹۳	یافتن شتر
۲۹۳	درخت کاری
۲۹۳	سوسمار و عرب

۲۹۵	توصیه پیامبر به زبیر
۲۹۶	وعدۀ صادق
۲۹۶	عاقبت بدزبانی
۲۹۷	شفقت محمد (ص)
۲۹۸	نکاح چو گاو
۲۹۸	فشار مار
۲۹۸	زیاده در میانه راه
۲۹۹	دختران پناه
۳۰۰	صلوات ناقص
۳۰۰	ستارگان و اهل بیت
۳۰۱	اهل عبا
۳۰۱	استقبال از پدر
۳۰۲	سخن پیامبر (ص) با علی (ع)
۳۰۲	دوستداران فاطمه (س)
۳۰۳	مباهله
۳۰۴	عزیزان محمد (ص)
۳۰۶	مناقب علی (ع) از زبان پیامبر (ص)
۳۰۷	برادر محمد (ص)
۳۰۷	معراج
۳۰۸	گوشت‌های بدبو
۳۰۹	حریصان
۳۰۹	تاریکی
۳۰۹	حرمت لاله الا الله

۳۱۰	خانه فاطمه (س)
۳۱۰	مسجد خاص
۳۱۱	پرندۀ نابینا
۳۱۲	مَشک آب
۳۱۲	برگ یزان
۳۱۳	آم
۳۱۳	پرسش از حضرت رسول (ص)
۳۱۴	همراه گور
۳۱۴	بستن شتر
۳۱۵	اثرات صلوات
۳۱۵	بلال و زیارت قبر رسول (ص)
۳۱۷	ناخشنودی مادر
۳۱۷	زن بخیل
۳۲۰	ایام البیض
۳۲۰	محبت مادرانه
۳۲۱	برگزیدن آخرت
۳۲۲	پرسش فاطمه (س) از پدر
۳۲۳	تکیه بر شانه‌های علی (ع)
۳۲۴	طلب بخشش
۳۲۵	وفات محمّد (ص)
۳۲۶	اشک و لبخند فاطمه (س)
۳۲۷	دفن حضرت رسول (ص)
۳۲۸	شجاعت و سخاوت محمد (ص)

صفحه	عنوان
۳۲۸	فصاحت محمد (ص)
۳۲۹	جميع صفات پیامبر
۳۲۹	خلق و خوی محمد (ص)
۳۲۷	والقرنین
۳۳۸	والقرنین (ع) در شرق
۳۳۹	والقرنین (ع) در هند
۳۴۰	یاجوج و ماجوج
۳۴۳	اصحاب کهف
۳۴۵	روزگار دقیانوس
۳۴۵	جشن نا تمام
۳۴۷	خفتگان بیدار
۳۴۷	خواب جاودان
۳۵۱	لقمان حکیم
۳۵۲	انتخاب لقمان
۳۵۲	نیت ناروا
۳۵۴	غذای مطبوع و نامطبوع
۳۵۵	سفارش لقمان
۳۵۶	سفارش های لقمان
۳۵۸	منابع و مأخذ

مقدمه

ای خدای فدای تو حاجت روا با تو ییاد هیچ کس نبود روا
قطره‌ای دانه به به سحرای ز پیش متصل گردان به دریا‌های خویش

هیچ گمانم نبود که بودن من مقدم بر کتابی، که در نوشتنش روزگاری خوش و خاطره‌انگیز را صرف کردم، چنین دشوار باشد. رفتار پرداختن به داستان‌های پیامبران، از سال‌های نوجوانی همراه من بوده است؛ وقتی که خلوت و سکوت شب‌های آیینگی مادر بزرگم - که سال‌هاست ندارمش - می‌بالیدم، ترنم داستان‌های تالاقی او از زندگی پیامبران و امامان، ذهن ناپخته مرا به عالمی ژرف و رمز و رازگونه می‌سید.

مادر بزرگم - که روانش شاد باد - عمری طولانی زیاده بود - حدود یک‌صد سال - من که همیشه ملازم خاطرش در یکی از اتاق‌های خانه پدرم بودم، آنها نه‌ای بودم که بیشتر اوقاتم با او می‌گذشت و او نیز برای سرگرم کردنم و القای اندیشه‌های تعلیمی‌اش، بارها از پیامبران سخن می‌گفت. او تعریف می‌کرد که شوهرش در دوران قرون وسطی شاهان ایرانی، خاصه احمد شاه قاجار، میرزا بنویس ارباب بوده و در میان مردمان بی‌سواد و احمق که سواد روزگار خودش، قرآن می‌خوانده و در خانه کتاب‌هایی داشته است.

یک حرف و دو حرف داستان‌های پیامبران را چنین زنی بر ذهن و زبانم ارزانی داشت؛ شب‌ها تا دیروقت پای صحبتش می‌نشستم و مشتاقانه سخنانش را «می‌نوشتیدم». به مدرسه که می‌رفتم، اینجا و آنجا، از آن داستان‌ها حرف می‌زدم و بر دانسته‌های ناپخته خود می‌بالیدم. وقتی که به روزگار کنونی رسیدم؛ اگر چه بیش از دو برابر عمری که با مادر بزرگم را

گذرانده‌ام، طی کرده‌ام؛ اما یاد و خاطره آن داستان‌ها همیشه با من بوده است؛ تا این که پیشنهاد نوشتن چنین داستان‌هایی از طرف دوست خوبم، جناب آقای علی اصغر بشیری به من داده شد. فوراً پذیرفتم و درباره چگونگی کار و نوع نوشتن داستان‌ها وارد بحث شدیم و سرانجام پس از رسیدن به توافق دست به کار شدم.

از عمق و ظرافت کار آن گاه آگاه شدم که قلم در دست گرفتم. بارها قرآن و تفاسیر مختلف را با جد خواندم و سری به کتاب‌های گوناگون درباره زندگی پیامبران زدم. از گوشه و کنار این کتاب‌ایی را یافتم؛ حتی *مثنوی مولوی* را خواندم؛ اگر چه از منظری متفاوت با گذشته. قصه انبیای ابو اسحاق نیشابوری را که کهن‌ترین مجموعه مدون از زندگی پیامبران است، بارها خواندم. شفا السرار میبدی را از نظر گذراندم. تاریخ طبری و تاریخ کامل را بارها ورق زدم تا مطالب مختلف را در نظرگاه‌های گوناگون مطالعه کرده باشم. در میان کتاب‌ها، کتاب *شرف‌النبی اثر ابوسید* و *انظر* را در خور توجه یافتم.

بیشتر از آن چه که بیان شده به کتاب مختلف سر زدم و ره‌توشه‌ها برداشتم و از میان آن همه داستان‌های گوناگون و گاه یک‌سانی به وجود داشت، دست به گزینش و بازنویسی برخی از داستان‌های آن زدم که نتیجه آن کتاب است به هم‌اکنون پیش رو دارید.

معیارهای اصلی من در این گزینش‌ها، نسبت سبک و متن متقن بوده است؛ با توجه به این که بیان تک‌تک اسناد در پایان هر داستان ممکن نیست موجب ملال خواننده ارجمند گردد، همه منابعی که در نوشتن این کتاب از آن‌ها بهره برده‌ام، در پایان کتاب آوردم. یکی از مهمترین معیارها در نوشتن داستان‌های پیامبران، تطبیق روایات اسلامی و قرآنی و روایات اصیل بوده است؛ به همین دلیل در مقدمه‌های داستان‌های هر پیامبر اشاراتی به منابع قرآن و روایی نیز دیده می‌شود.

داستان‌های مربوط به هر پیامبر در دو بخش آورده شده است؛ نخست در دید تاریخی و روایی بررسی شده‌اند و سپس به بیان برخی داستان‌ها، پرداخته شده‌اند؛ بنابراین در چند مورد داستان‌ها حالت تکرار به خود گرفته‌اند، که این موضوع ناشی از اختلاف روایت در برخی متون بوده است. داستان‌های برخی پیامبران مانند حضرت ابراهیم (ع) و حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) و یا پیامبر اسلام (ص) از لحاظ حجم نسبت به دیگر پیامبران (علیهم

السلام) بیشتر بوده است؛ این مورد برخاسته از اهمیت و گسترش داستان‌های این بزرگواران است و اینکه از پیامبرانی که داستان‌هایشان کمتر انعکاس یافته است منابع کمتری هم در دسترس بوده است.

برخی از شخصیت‌ها مانند ذوالقرنین و یا لقمان در پیامبر بودنشان محل بحث بود؛ اما با این حال داستان‌های بسیاری از اینان نیز در ادب فارسی انعکاس یافته بود؛ به همین دلیل داستان‌های این دو شخصیت به همراه اصحاب کهف در بخش پایانی پس از خاتم پیامبران آورده شده است.

تلاش علی من در این داستان‌ها این بوده است که به دور از اغراق داستانی را از پیامبران (علیهم السلام) به زبان ساده بیان کنم که برای همه افراد قابل فهم باشد. دنبال حوادث متافیزیکی که در دین و معتبر برخی از آن‌ها را تأیید نمی کند نیز نبوده‌ام؛ چرا که باورم بر این بوده و هست که پس بیان عظمت پیامبران الهی نیازی به داستان‌های غیر مستند نیست. من فقط گوشه‌ای از عظمت آنان را با قلم نارسای خود به تصویر کشیده‌ام و امید است که در تلاشم موفق بوده باشم.

پی‌گیر دائمی پیشرفت کار نوشتن کتابی نبود جز فرزندم امیرعلی با برادرش امیر سام، که مشتاقانه مسوده‌های آن را بر می‌گرفت و با آن مواد دبستانی‌اش مطالعه می‌کرد. در گرفتاری‌های آن‌روزهایی که داشتم، تحصیل و تدریس و خانه‌دوشی، محیط آرام و بی‌تشویش را همسرم برایم فراهم می‌کرد؛ از بخت شکر دارم و از بزرگوار هم.

پدر و مادرم، مثل همیشه چراغ امید را در دل من روشن نگه می‌داشتند، تا سرانجام این کار را مشاهده کنند؛ امیدوارم که قدر دان محبتشان بوده باشم.

شایسته است این مقدمه را با سپاس بی‌دریغ از دوست خوبم، جناب آقای علی صفی‌بشیری به اتمام برسانم؛ ایشان بودند که دیو تنبلی را از وجودم دور کردند. از آقای مصطفی رضایی دلیل هم که در یافتن برخی از منابع داستانی مرا یاری داده‌اند و هم‌چنین از مدیر محترم انتشارات آرایان که تأخیر بسیار این کار را برتافتند نیز سپاس‌گزارم.

بمنه و کرمه

محمد صفایی حبیب‌لو

آذرماه ۱۳۹۲